

بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی)

فریبرز بیات،* سید محمدصادق مهدوی،** باقر ساروخانی***

چکیده

اخلاق از دیدگاه جامعه‌شناسی یکی از بنیادهای اساسی نظم اجتماعی است. اما اکنون چنین نظمی در جوامع مختلف با تهدید مواجه شده است. از چنین وضعیتی به‌عنوان «بحران اخلاقی» یاد می‌شود. از دیدگاه این پژوهش جامعه ایران در چنین وضعیت بحرانی قرار دارد. این مساله در پرتو نظریه آنومی مورد بررسی قرار گرفته است. جمعیت تحقیق شهروندان تهرانی ۱۸ سال به بالا در سال ۱۳۹۶ است. نمونه ای ۴۰۰ نفری از این جمعیت به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است. روش پژوهش پیمایش بوده و برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه و داده‌های ثانویه آماری استفاده شده است. یافته‌های عینی و آماری و داورای های ذهنی پاسخگویان نشان دهنده بحران اخلاقی است. متغیرهای احساس نابرابری، احساس نارضایتی، احساس ضعف کنترل‌های اجتماعی و فردگرایی خود خواهانه مجموعاً ۷۰ درصد تغییرات بحران اخلاقی را توضیح می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: بحران اخلاقی، فردگرایی، احساس نابرابری، احساس نارضایتی، کنترل‌های اجتماعی.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران - ایران.

fzbayat@gmail.com

** استاد جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران - ایران. (نویسنده مسئول)

ms_mahdavi@sbu.ac.ir

*** استاد جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران - ایران. sarokani@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۳۵-۶۱

۱. مقدمه و بیان مسئله

اخلاق^۱ یکی از مسائل کلاسیک در جامعه‌شناسی است. بسیاری از فلاسفه اجتماعی پاسخ این پرسش را که چرا با وجود تضاد منافع و خلق‌وخوها «جنگ همه علیه همه»^۲ در نمی‌گیرد، در اخلاق اجتماعی یافته‌اند. از چنین منظری، تولد جامعه‌شناسی با مسئله اخلاق گره خورده است و بیشتر جامعه‌شناسان، اخلاق را عنصر ذاتی جامعه و بنیاد نظم و انسجام اجتماعی می‌دانند. اما چنین نظمی چه در جوامع در حال گذار و چه در عصر اطلاعات و جامعه سرمایه‌داری دیجیتال با تهدید مواجه شده است.

جامعه‌شناسان از بی‌نظمی و آشفتگی فراگیر در جوامع به‌عنوان «آنومی»^۳ یا «بحران اخلاقی»^۴ یاد می‌کنند (دورکیم، ۱۳۶۰: ۹۴-۹۵) و آن را حالت بیمارگونه و آسیب‌شناسانه‌ای می‌دانند که سلامت اخلاقی جامعه را به خطر می‌اندازد (دورکیم، ۱۳۶۹: ۸-۱۱). چنین بحرانی اگرچه نمودهایی متفاوت در جوامع مدرن امروزی نیز دارد، از دیدگاه اغلب جامعه‌شناسان، ویژگی اصلی جوامع در حال گذار است. این جوامع در فرایند گذار به مدرنیته با حجمی عظیم و سرعتی قابل توجه از انتشار ارزش‌ها و هنجارهای مدرن روبه‌رو می‌شوند و در معرض اختلال هنجاری مضاعف و بحران اخلاقی قرار می‌گیرند.

از دیدگاه این پژوهش، ایران به‌عنوان یک جامعه در حال گذار، در این وضعیت اخلاقی بحرانی قرار دارد. تحولات جمعیتی، رشد سواد و شهرنشینی، وقوع انقلاب و جنگ و قرار گرفتن در معرض تحولات فناوری‌های نوین ارتباطی و جریان جهانی‌شدن، در کنار بحران‌های اقتصادی و سیاسی، جامعه ایران را در وضعیت بحرانی خاصی قرار داده است. شواهد مختلفی برای بحران اخلاقی در ایران می‌توان برشمرد. یافته‌های سه موج پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی رو به نزول است و جامعه در وضعیت اخلاقی بحرانی و آنومی قرار دارد، به‌طوری‌که بین ۶۰ تا ۷۸ درصد پاسخ‌گویان نمی‌دانند تفاوت آدم خوب و بد چیست؟ دیندار واقعی کیست و متظاهر کدام است؟ باید قانون را رعایت کرد یا پارتی‌بازی کرد؟ مسئول دلسوز کیست؟ آدم جاه‌طلب کدام است؟ (رضایی، ۱۳۸۰؛ گودرزی، ۱۳۸۲؛ جوادی یگانه، ۱۳۹۵؛ غفاری و جوادی یگانه، ۱۳۹۶).

1. Ethics
2. Bllum omium contra omnes
3. Anomie
4. Ethical crisis

علاوه بر این، واقعیات عینی اجتماعی نیز حکایت از وضعیت بحرانی اخلاق در جامعه دارد. تعداد پرونده‌های قضایی کشور در سال ۹۴ به ۱۵ میلیون رسیده است (آملی لاریجانی، ۱۳۹۴). از هر ۴/۲ ازدواج یکی به طلاق منتهی شده (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵) و رتبه فساد در ایران بین ۱۶۷ کشور جهان، ۱۳۰ است (سازمان شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۵). این پژوهش از چنین وضعیتی به عنوان بحران اخلاقی و آنومی در جامعه ایران نام می‌برد. هدف کلی پژوهش پاسخ به دو پرسش از دیدگاه شهروندان تهرانی است: آیا از وضعیت اخلاقی جامعه، بحرانی تلقی می‌شود؟ عوامل اجتماعی مؤثر بر بحرانی تلقی شدن وضعیت اخلاقی جامعه چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

رفیع پور (۱۳۷۸) وضعیت جامعه ایران را آنومیک می‌داند و نشان داده است عواملی همچون نابرابری اجتماعی، وضعیت اقتصادی نامناسب و کاهش اعتماد اجتماعی که به شدت متأثر از کاهش پایبندی‌های مذهبی است، رفتار آنومیک شهروندان تهرانی را شکل می‌دهد. کوثری (۱۳۸۲) ضمن تأکید بر اینکه جامعه در وضعیت آنومیک قرار دارد، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آنومی سیاسی را احساس ناعادلانه بودن قواعد، ضعف یگانگی سیاسی، فردگرایی سیاسی، ضعف یگانگی دینی و سکولاریسم معرفی می‌کند. بنابر یافته‌های پیران (۱۳۸۴)، میزان آنومی در بین جوانان تهرانی نسبتاً بالاست، به طوری که ۵۶/۵ درصد آنومی شدید داشته‌اند. شیانی و محمدی (۱۳۸۶) با تأکید بر آنومی جوانان نشان داده‌اند بالاترین میزان آنومی به کسانی تعلق داشته که از وضعیت زندگی خود و جامعه ناراضی‌اند، احساس بی‌اعتمادی و ناامیدی می‌کنند و معتقدند امروزه فقط پول اهمیت دارد.

نجاتی حسینی و کوثری (۱۳۸۸) در پژوهش خود نتیجه گرفته‌اند ۴۹ درصد پاسخ‌گویان احساس آنومی بالا و ۴۳/۱ درصد احساس آنومی متوسط دارند. یافته‌های نادری و همکاران (۱۳۸۹) ضمن تأیید آنومی، حاکی از آن است که پایبندی دینی و عزت نفس با آنومی رابطه منفی و احساس نابرابری، گمگشتگی فرهنگی و روابط نامناسب اجتماعی با آنومی رابطه مثبت دارند. بنابر یافته‌های جوادی و همکاران (۱۳۹۱)، بین احساس آنومی با همبستگی اجتماعی، نظارت اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه منفی و بین شکاف ارزشی دانشجویان و احساس آنومی رابطه مثبت وجود دارد.

در مطالعات خارجی، بنابر یافته‌های لی و کلید^۱ (۱۹۷۴)، متغیرهای مربوط به دینداری در تبیین واریانس آنومی اثری بیشتر از طبقه اجتماعی- اقتصادی دارد. چاملین و کوچران^۲ (۱۹۹۵) نشان داده‌اند زمانی که قدرت نهادهای غیراقتصادی (خانواده، سیاست، مذهب) در یک جامعه کمتر می‌شود، اثر فقر بر جرم بیشتر می‌شود. مسنر و روزنفلد^۳ (۱۹۹۷) در مطالعه خود نتیجه گرفته‌اند هرچه کالازدایی بیشتر باشد، میزان اتکای شهروندان به بازار برای احساس خوشبختی پایین‌تر می‌آید. آدننر^۴ (۲۰۰۷) آنومی را حاصل موقعیت‌های فشارزا از جمله درآمد کم، طبقه اجتماعی-اقتصادی ضعیف، ناامیدی از اصلاحات و احساس درماندگی شدید نسبت به آینده می‌داند. کائو^۵ (۲۰۰۷) نشان داد متغیرهای شغل، داشتن بچه و رضایت از زندگی با آنومی رابطه منفی دارند، اما تحصیلات با آنومی رابطه مثبت دارد. براساس یافته‌های لگه^۶ (۲۰۰۸) متغیرهای زمینه‌ای و جهت‌گیری سیاسی رادیکال پیش‌بینی‌کننده قوی آنومی هستند. پژوهش برگارد و کوچران^۷ (۲۰۰۸) تأکید می‌کند با ضعیف شدن نهادهای غیراقتصادی همچون دین، میزان جرم زیادتر می‌شود.

جمع‌بندی پیشینه تحقیقات حاکی از آن است که با وجود ادعان همه پژوهش‌ها به وجود آنومی، برخی آن را صفت فرد تلقی کرده و آنومی فردی را بررسی کرده‌اند. اما، در این پژوهش، آنومی به‌عنوان صفت جامعه و وضعیتی اجتماعی در نظر گرفته شده است که البته تظاهراتی در سطح فردی نیز دارد. علاوه بر این، در سنجش آنومی، اکثر پژوهش‌ها فقط بر یک بعد، یعنی «بی‌هنجاری» و نبود قاعده و هنجار مشترک تأکید کرده‌اند و «ضعف هنجاری» و کاهش قدرت هنجارها در سامان‌دهی کنش‌ها و رفتار و نیز «تعارض هنجاری» و تضاد هنجارها با هم و با واقعیات اجتماعی را مورد توجه قرار نداده‌اند. درحالی‌که این پژوهش آنومی را به‌عنوان یک سازه در نظر گرفته و بی‌هنجاری، تعارض هنجاری و ضعف هنجاری سه سطح اساسی آن را تشکیل می‌دهند. همچنین بیشتر پژوهش‌ها فقط به سنجش آنومی براساس داوری و ارزیابی ذهنی پاسخ‌گویان اکتفا کرده‌اند و به شواهد عینی و ساختاری مؤید آنومی نپرداخته‌اند. اما این پژوهش، علاوه بر ارزیابی و داوری ذهنی شهروندان، به بررسی و سنجش شاخص‌های عینی و ساختاری مؤید آنومی نیز پرداخته است و به این ترتیب معیاری برای سنجش اعتبار داوری و

1. Gary R. Lee And Robert Wclayde
2. Mitchel B. Chamlin And John k. Cochran
3. Steven F. Messner, Richard Rosenfeld
4. Martin Adnanes
5. Liqun Cao
6. Sandra Legge
7. Beth Bjerregaard, John k. Cochran

ارزیابی پاسخ‌گویان در مورد وضعیت اخلاقی جامعه و آنومی به دست می‌دهد. از سوی دیگر، در بررسی عوامل مؤثر بر آنومی نیز پژوهش حاضر به عوامل اجتماعی محدود شده و از بین عوامل مختلفی که پژوهش‌های دیگر در این زمینه ذکر کرده‌اند، خود را به شش عامل احساس نابرابری، احساس نارضایتی، ضعف کنترل‌های اجتماعی، فردگرایی، ضعف دین‌داری و کاهش مشارکت اجتماعی محدود کرده است که از منظر این پژوهش، مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران اخلاقی در جامعه ایران هستند.

چارچوب نظری

در ادبیات جامعه‌شناسی، اخلاق عنصر ذاتی جامعه است و هیچ جمع و گروهی را نمی‌توان یافت که بتوانند بدون مجموعه قواعد انتظام‌بخش اخلاقی با هم زندگی کنند. از این رو، دورکیم جامعه را یک اجتماع اخلاقی^۱ می‌داند (دورکیم، ۱۳۶۰: ۷۴-۷۶) و عنصر اساسی نظم اجتماعی را مجموعه قواعد و هنجارهای اخلاقی معرفی می‌کند (همان: ۸۰). با چنین درک و دریافتی، اخلاق در مرکز جامعه‌شناسی دورکیم قرار دارد. او موضوع اصلی جامعه‌شناسی را مطالعه واقعیات اخلاقی^۲ می‌داند (دورکیم، ۱۳۹۴: ۳۵). بر مبنای چنین رهیافتی، اخلاق مجموعه قواعد مشترک مقتدر، مطلوب، آگاهانه و انسجام‌بخشی است که کنش‌ها را در جهت خیر جمعی منظم و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند (دورکیم، ۱۳۶۰: ۵۸-۶۵؛ ترنر، ۱۳۷۰: ۴۱۲-۴۱۳).

استحکام و پایداری اخلاق تا زمانی است که اتفاق نظر و اجماع درباره مشروعیت و اقتدار، مطلوبیت، انسجام‌بخشی و انتخاب آزادانه و آگاهانه قواعد اخلاقی وجود داشته باشد. در چنین شرایطی، حتی اگر در مواردی برخی از این قواعد نقض شود، باز هم مشکل اساسی به وجود نخواهد آمد. اما چنانچه نقض قواعد اخلاقی به صورت مکرر رخ دهد، به نوعی که تخطی، به قاعده تبدیل شود، در چنین شرایطی جامعه با بحران اخلاقی روبه‌روست. در جامعه‌شناسی از بحران اخلاقی به عنوان آنومی، بی‌هنجاری، آشفتگی، تعلیق قواعد، خلأ قواعد، بیگانگی، ضد اخلاق، فساد اخلاقی، ضعف هنجاری، بی‌سازمانی، تعارض هنجاری و عدم التزام به قواعد هنجاری نام برده می‌شود.

دورکیم آنومی را معادل «فساد اخلاقی»^۳ و حالت بیمارگونه و آسیب‌شناسانه‌ای می‌داند که سلامت اخلاقی جامعه را به خطر می‌اندازد (دورکیم، ۱۳۹۴: ۹-۱۲). او معتقد است «التزام و مطلوبیت»، به عنوان دو عنصر اساسی اخلاق، در وضعیت آنومی به شدت آسیب می‌بینند. به

1. Ethical community
2. Ethical facts
3. Immorality

همین دلیل، قدرت قواعد اخلاقی برای سامان‌دهی کنش‌ها تضعیف می‌شود. بنابراین، آنومی عدم التزام به قواعد اخلاقی یا ضعف هنجاری^۱ است (دورکیم، ۱۳۶۰: ۴۸-۴۹). پارسونز آنومی را معادل بی‌هنجاری، نقطه‌ی مقابل نهادگرایی و به معنی اختلال کامل نظم هنجاری^۲ می‌داند (پارسونز، ۱۹۵۱: ۳۰۱-۳۰۶). مرتن^۳ با تأکید بر تعارض و تضاد اهداف و ارزش‌های فرهنگی از سوی، و وسایل اجتماعی نهادی دستیابی به آن‌ها از سوی دیگر، آنومی را معادل تعارض هنجاری^۴ در نظر می‌گیرد (مرتن، ۱۹۴۹: ۱۲۵-۱۳۳).

دورکیم در آثار مختلف خود به علل و عوامل آنومی و بحران اخلاقی پرداخته است. او در سطح تحلیل ساختاری نقش عدم انسجام اجتماعی را در ایجاد بحران اخلاقی مورد تأکید قرار می‌دهد (دورکیم، ۱۸۹۳: ۷۲۹؛ ۱۸۹۷: ۲۴۰). از نظر دورکیم، انسجام دو عنصر بنیادین دارد: حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی. حمایت اجتماعی موجبات پیوند و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورد که به‌واسطه آن، افراد به اهداف مشترک اجتماعی گره می‌خورند. از چنین منظری، دورکیم فردگرایی خودخواهانه را که از نظر او حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی است، شر و سرچشمه بحران اخلاقی می‌داند (دورکیم، ۱۳۷۸: ۴۱۱؛ مزورویچ، ۱۹۸۹: ۱۶).

بعد دیگر انسجام، یعنی کنترل اجتماعی، با بهره‌گیری از اهرم‌های بیرونی و قانونی موجب کنترل خواسته‌ها و آرزوهای نامحدود، نفع‌طلبی و فزون‌خواهی‌های فردی می‌شود. به همین دلیل، دورکیم در کنار اخلاق مدنی برای کنترل وجدانی و درونی، بر تقویت و تحکیم قانون و دولت برای کنترل بیرونی و جلوگیری از نقض قواعد و هنجارهای اخلاقی تأکید می‌کند (ورسلی، ۱۳۸۸: ۱۲).

از دیدگاه دورکیم، علت دیگر بحران اخلاقی، ناعادلانه بودن قواعد انتظام‌بخش رفتار است. او در اشاره به این مسئله می‌گوید: «اما برای آنکه افراد در جامعه رفتار اخلاقی داشته باشند، وجود قواعد به‌تنهایی کافی نیست، لازم است قواعد مذکور درست و عادلانه باشند» (دورکیم، ۱۳۹۴: ۳۶۰). همچنین، به نظر دورکیم، در جریان تقسیم کار و تفکیک اجتماعی، وجدان جمعی و باورهای مشترک (دینی) ضعیف شده و در نتیجه زمینه پیدایش آشفتگی و بحران اخلاقی فراهم می‌شود.

پارسونز بر این باور است که «تغییر و تحولات و بحران‌های بزرگ اقتصادی-اجتماعی، تعادل جامعه را بر هم می‌زند. در نتیجه چنین وضعیتی، قواعد و هنجارهای پیشین قادر به هدایت

1. Normative weakness
2. Normative disorder
3. Robert K. Merton
4. Normative conflict

رفتارها نیستند و نهادها ناکارآمد و ضعیف می‌شوند؛ به این ترتیب، بی‌هنجاری فراگیری به وجود می‌آید که موجب اختلال کامل نظم هنجاری است» (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۰۲-۴۰۳). وی همچنین از مفهومی با عنوان «هم‌نوایی اجباری» با ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی نام می‌برد که بیش از آنکه داوطلبانه، درونی و آگاهانه باشد، متکی بر فشار، اجبار و اضطراب است. به همین دلیل، بسیار شکننده و ناپایدار است و با ضعف اهرم‌های کنترلی، اجماع و وفاق جای خود را به شک و تردید و نفی و انکار ارزش‌های اخلاقی می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۵).

به‌علاوه، پارسونز معتقد است در جامعه‌ای که عشق به خدا و توجه به اخلاق تضعیف گردد، آن جامعه با بحران‌های شدیدی مواجه می‌شود و چاره‌چنین بحران‌هایی فقط از طریق تأکید بر اخلاق و تقویت احساسات افراد دربارهٔ مقدسات و دین میسر خواهد شد (گولدنر، ۱۳۸۳: ۳۸۹). از سوی دیگر، پارسونز یکی از کارکردهای انتظام‌بخش نهادی برای جلوگیری از اختلال و بی‌نظمی را تعیین اولویت‌های نهادی شدهٔ وظایف و تکالیف می‌داند. از نظر او، چنین کارکردی، به‌ویژه در جامعه‌ای آزاد و با تحرک، بسیار مهم است؛ چراکه افراد به‌ناچار با وضعیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که آن‌ها را درگیر تقاضاهای متضاد می‌کند و این وضعیت‌های بالقوه منشأ ستیزه با قواعد و هنجارهاست (پارسونز، ۱۹۵۱: ۳۰۲).

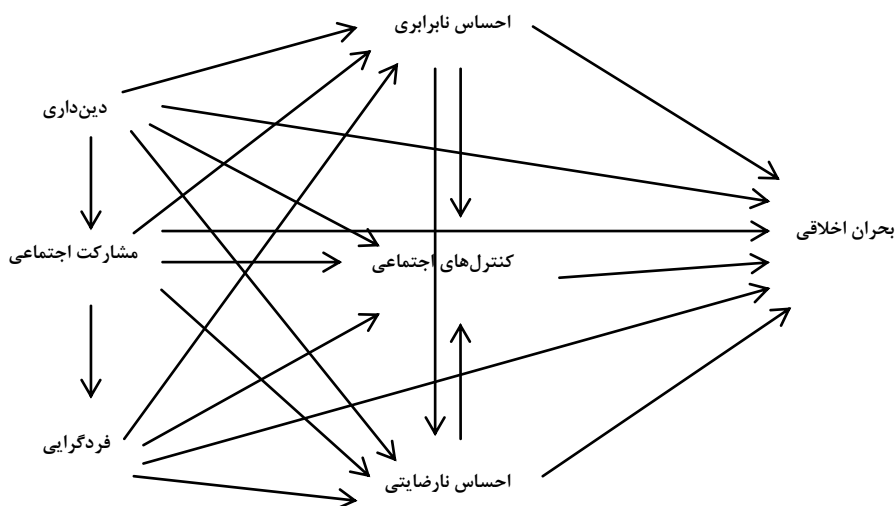
از دیدگاه مرتن، در شرایطی که اهداف و ارزش‌های فرهنگی با ساختارهای اجتماعی و نهادی تعارض دارند (رابینگتن و ایتنبرگ، ۱۳۹۰: ۱۰۱) رفتارهای ناهم‌نوا و آشفتگی هنجاری اجتناب‌ناپذیر می‌شود. جامعه‌پذیری ناقص که به قول مرتن به‌جای ایجاد هم‌نوایی با اهداف و ارزش‌های موجود، افراد را ناهم‌نوا می‌کند نیز در تشدید بحران اخلاقی نقش ایفا می‌کند. سنخ‌شناسی مرتون از سازگاری اجتماعی نشان می‌دهد سه گروه مناسک‌گرا، منزوی و طغیانگر و شورشی، اهداف فرهنگی را به‌عنوان ارزش‌های مطلوب و مشروع نمی‌پذیرند و حتی نفی و طرد می‌کنند و این موضوع می‌تواند به آشفتگی اخلاقی، بی‌هنجاری و تعارض اجتماعی بینجامد. مرتن همچنین با تأکید بر نقش نظام فرصت‌های نابرابر در آنومی و آشفتگی اجتماعی معتقد است: «هنگامی که امکان دسترسی به شیوه‌های مشروع رسیدن به هدف‌های موفقیت‌آمیز برای بخش قابل توجهی از جمعیت بسیار دشوار یا به‌طور کلی غیرممکن باشد، آشفتگی، کجروی و انحراف در مقیاسی گسترده بروز می‌کند» (کوزر، ۱۳۷۸: ۴۵۵). اما، بحران اخلاقی فقط دغدغهٔ کلاسیک‌هایی همچون مارکس^۱، دورکیم، وبر^۲، زیمل^۳ یا جامعه‌شناسانی

1. Karl Marx
2. Max weber
3. Georg Simmel

همچون پارسونز و مرتن نیست، چنین بحرانی در کانون توجه بسیاری از جامعه‌شناسان متأخر و معاصر قرار دارد.

این پژوهش، با استنباط از ادبیات نظری و مطالعات تجربی پیشین، رویکردی تلفیقی را در بررسی بحران اخلاقی اتخاذ کرده است. بر مبنای چنین رویکردی، بحران اخلاقی یک سازه سه‌وجهی و به‌منزله وضعیتی است که جامعه با بی‌هنجاری، تعارض هنجاری و ضعف هنجاری مواجه است. هریک از ابعاد سه‌گانه مذکور به درجه و سطوحی از بحران اخلاقی اشاره می‌کنند. عدم التزام به قواعد یا ضعف هنجاری که دورکیم بر آن تأکید می‌کند، لایه بیرونی و آشکار بحران اخلاقی را نشان می‌دهد. تعارض هنجاری مورد نظر مرتن گویای سطح میانه و متوسطی از چنین بحرانی است و بی‌هنجاری و اختلال کامل نظم هنجاری، به تعبیر پارسونز، نقطه اوج بحران اخلاقی است.

عوامل چنین بحرانی از دیدگاه نظریه‌پردازان آنومی و بحران اخلاقی در کلان‌ترین سطح تغییرات سریع و شتابان و غیرهدفمند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع، به‌ویژه در مراحل گذار است. حاصل این تغییرات سریع، ایجاد آشفتگی و بحران اخلاقی است که براساس ادبیات نظری و پیشینه تجربی تحقیق، در سطح خرد خود را به‌صورت شدت و ضعف فردگرایی خودخواهانه، مشارکت اجتماعی، دین‌داری، کنترل‌های اجتماعی، احساس نابرابری و احساس نارضایتی نشان می‌دهند که براساس مفروضات این پژوهش، بیشترین تأثیر را در تلقی شهروندان از بحران اخلاقی در جامعه ایران دارند. بر مبنای چارچوب فوق، مدل نظری تحقیق به قرار زیر است:



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

فرضیه‌ها

- تلقی از وضعیت اخلاقی جامعه، بحرانی است.
- هرچه فردگرایی بیشتر باشد، تلقی از بحران اخلاقی بیشتر است.
- هرچه احساس نابرابری بیشتر باشد، تلقی از بحران اخلاقی بیشتر است.
- هرچه مشارکت اجتماعی کمتر باشد، تلقی از بحران اخلاقی بیشتر است.
- هرچه دین‌داری کمتر باشد، تلقی از بحران اخلاقی بیشتر است.
- هرچه تلقی از ضعف کنترل‌های اجتماعی بیشتر باشد، تلقی از بحران اخلاقی بیشتر است.
- هرچه احساس نارضایتی بیشتر باشد، تلقی از بحران اخلاقی بیشتر است.

۳. روش‌شناسی

روش تحقیق پیمایش بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه و آمارهای ملی و بین‌المللی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، شهروندان تهرانی ۱۸ سال به بالاست. بنابر نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر تهران ۸/۶ میلیون نفر است که ۶/۷ میلیون نفر آن‌ها در سنین ۱۸ سال به بالا قرار دارند. برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است. مقدار p و q در این فرمول ۰/۵ و بنابراین واریانس صفت مورد بررسی در حداکثر مقدار خود در نظر گرفته شد که موجب افزایش حداکثری حجم نمونه می‌شود. بر این اساس، حجم نمونه در این تحقیق ۳۸۴ نفر برآورد شده است که برای اطمینان بیشتر و مقابله با خطاهای احتمالی، این حجم به ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. به این ترتیب که برمبنای رتبه‌بندی مناطق ۲۲گانه شهر تهران برحسب سطح رفاه اقتصادی-اجتماعی (سریرافراز، ۱۳۸۹: ۸۵-۱۰۶)، ابتدا از هر یک از مناطق بالا، متوسط و پایین، به شکل تصادفی یک منطقه به ترتیب شامل مناطق ۸، ۳ و ۱۹ انتخاب شد. در مرحله بعد، در داخل هر یک از این مناطق ۳ بلوک به قید قرعه انتخاب شد. سپس متناسب با حجم جمعیت و نسبت نمونه‌گیری در هر منطقه، در داخل بلوک‌ها به پلاک‌ها مراجعه شد و از هر ۵ پلاک با یکی از ساکنان ۱۸ سال به بالا از هر دو جنس مصاحبه شد.

سنجش‌ها

۱. بحران اخلاقی: وضعیتی است که در آن جامعه فاقد قواعد و هنجارهای مشترک انتظام‌بخش کنش‌ها و دارای ضعف در این قواعد است، به طوری که جامعه دچار عدم انسجام و

بی‌نظمی است و اکثریت کنشگران یا گرفتار سردرگمی و بلاتکلیفی هستند، یا به نقض و تخطی مکرر از قواعد و قوانین روی می‌آورند (دورکیم، ۱۳۶۰: ۹۵-۹۴؛ ۱۳۶۹: ۱۱-۸). با چنین درک و دریافتی، بحران اخلاقی، صفت یک وضعیت و یک جامعه است تا فرد؛ اگرچه در سطح فرد نیز تظاهر دارد. بی‌هنجاری، تعارض هنجاری و ضعف هنجاری سه شاخص اصلی بحران اخلاقی محسوب می‌شوند:

۱. **بی‌هنجاری:** به معنای فقدان قواعد مشترک انتظام‌بخش کنش‌ها و رفتار یا نداشتن اتفاق نظر روی مقبولیت، مشروعیت و مطلوبیت این قواعد است (کوزر، ۱۳۷۸: ۴۰۱-۴۰۳؛ آبرکرامی، ۱۳۶۷: ۳۵-۳۶؛ بیرو، ۱۳۷۰: ۱۶؛ کوئن، ۱۳۷۵: ۲۷۹).

۲. **تعارض هنجاری:** به معنای ضدیت دو یا چند قاعده و هنجار انتظام‌بخش کنش‌ها و رفتار باهم و یا تعارض این قواعد با واقعیات اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۴۲؛ معیدفر، ۱۳۸۵: ۱۹۵؛ ستوده، ۱۳۷۲: ۱۲۹ و ۴۹-۵۰).

۳. **ضعف هنجاری:** به معنای نقصان علقه اجتماعی و تعهد به هنجارها و قواعد انتظام‌بخش کنش‌ها و رفتار در میان اکثریت افراد جامعه است، به طوری که افراد الزامی به رعایت قواعد نمی‌بینند و در اغلب اوقات، قواعد و هنجارها را نقض می‌کنند (دورکیم، ۱۳۶۰: ۹۴-۹۵؛ ۱۳۹۴: ۹-۱۲؛ چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸).

در این تحقیق، بحران اخلاقی با دو شاخص زیر سنجیده شده است:

- **شاخص ذهنی:** دورکیم قواعد اخلاقی را از جنس اعتباریات می‌داند که بر مبنای پذیرش و اتفاق نظر جمعی شکل می‌گیرد و از هیچ نوع واقعیت بیرونی حکایت نمی‌کند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۹۲-۹۳). بعد ذهنی بحران اخلاقی با ارزیابی شهروندان در مورد میزان احساس بی‌هنجاری، تعارض هنجاری، ضعف هنجاری و ضعف اخلاقی مردم، مسئولان و خود پاسخ‌گویان با ۶ مقیاس، که هر یک بین ۹ تا ۱۳ گویه داشته‌اند، مورد سنجش قرار گرفته است.

- **شاخص عینی:** بعد عینی به واقعیت بحران اخلاقی در سطح کلان جامعه اشاره می‌کند. در این سطح، دورکیم نظام‌های حقوقی و قوانین را شاخص ملموس و عینی قواعد و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی می‌داند و معتقد است جامعه‌ای که مدام با نادیده‌گرفتن قوانین از سوی افراد مواجه می‌شود، جامعه‌ای در حال گذار و گرفتار بحران اخلاقی است (دورکیم، ۱۳۸۴: ۱۱۰). بر مبنای چنین شاخصی، در این پژوهش، در بعد عینی، آمار و اسناد رسمی ملی و بین‌المللی مؤید تخطی از قوانین، قواعد و هنجارهای اخلاقی، بررسی شده است. معرف‌های آماری وضعیت اخلاقی جامعه در این پژوهش شامل آمار پرونده‌های دعوی قضایی، تعداد

زندانیان، خودکشی، سرقت، طلاق، رتبه بین‌المللی فساد و نیز ساعات کار مفید و میزان تعهد کاری است.

۲. فردگرایی: دورکیم بین دو نوع فردگرایی تمایز قائل می‌شود: فردگرایی اخلاقی و دگرخواهانه و فردگرایی خودخواهانه. در فردگرایی خودخواهانه، از آنجاکه افراد در پی ارضای هرچه بیشتر خواسته‌ها و شهوات سیری‌ناپذیر خود هستند، التزامی به قواعد اخلاقی وجود ندارد و هیچ قاعده و قانونی قادر نیست که بر این میل زیاده‌خواهانه لگام بزند (دورکیم، ۱۳۷۸: ۳۲۳ و ۱۶۱؛ کیویستو، ۱۳۸۶: ۱۴۰). در این پژوهش، سوپیه منفی یا نوع خودخواهانه فردگرایی مورد توجه است. مفهوم فردگرایی خودخواهانه با پرسش درباره میزان نفع‌طلبی مردم، مسئولان و نیز خود پاسخ‌گویان با سه شاخص نفع‌طلبی و ترجیح نفع شخصی، اهمیت موفقیت مالی و بت‌وارگی پول و باور به اصل موفقیت به هر قیمتی، با مقیاسی ۸ گویه‌ای سنجیده شده است.

۳. احساس نابرابری: نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع، فرصت‌ها، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند (زاهدی، ۱۳۸۵: ۴۰). در این پژوهش، احساس نابرابری شهروندان با سه شاخص احساس نابرابری قوانین، احساس توزیع نابرابر فرصت‌ها و منابع و احساس محرومیت نسبی، با مقیاسی ۶ گویه‌ای سنجیده شده است.

۴. مشارکت اجتماعی: مشارکت به معنای به‌کارگرفتن منابع شخصی به‌منظور سهیم‌شدن در یک اقدام جمعی، عملی آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری، سیاسی و اجتماعی در جهت تأمین منافع اجتماعی است (میلر، ۱۳۸۰: ۵۹۹ و ۵۴۹؛ محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). مشارکت اجتماعی در این پژوهش با چهار شاخص میزان شرکت در انتخابات، مشارکت و فعالیت در احزاب و تشکل‌های سیاسی، مشارکت و فعالیت در تشکل‌ها و اتحادیه‌های صنفی و مشارکت و فعالیت در انجمن‌های محلی و سازمان‌های مدنی و غیردولتی، با مقیاسی ۸ گویه‌ای سنجیده شده است.

۵. دین‌داری: دین نظامی از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مناسک و اعمال مشترک و مقدس است که با جهت‌دهی به کنش‌ها، موجبات همبستگی پیروان را در قالب یک اجتماع اخلاقی فراهم می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳). در این پژوهش، میزان اقتدار گرایش‌های دینی پشتوانه قواعد اخلاقی از منظر شهروندان و نیز میزان مشارکت آن‌ها در مناسک جمعی دینی همچون نماز جماعت، جمعه، عزاداری‌های عاشورا و جشن‌های نیمه شعبان، با مقیاسی ۱۱ گویه‌ای سنجیده شده است.

۶. کنترل‌های اجتماعی: کنترل اجتماعی همه راه‌ها، شیوه‌ها و ابزارهایی است که برای واداشتن افراد به انطباق با انتظارات و رعایت چشم‌داشت‌های جامعه یا یک گروه معین به کار برده می‌شود (کوئن، ۱۳۷۵: ۲۵۳؛ بیرو، ۱۳۷۰: ۴۸۰). احساس ضعف کنترل‌های اجتماعی در این پژوهش با پرسش از پاسخ‌گویان در مورد میزان اقتدار قانون، سازمان‌ها و دستگاه‌های مجری آن، و نیز میزان اهمال و آسان‌گیری در اجرای قانون، با مقیاسی ۶ گویه‌ای سنجیده شده است.

۷. احساس نارضایتی اجتماعی: شکاف بین اهداف و آرمان‌ها با واقعیت و دستاوردها، هسته اصلی تعریف نارضایتی را تشکیل می‌دهد؛ فاصله بین آنچه می‌خواهیم و خود را مستحق آن می‌دانیم با آنچه در عمل به دست می‌آوریم. بر همین اساس، احساس نارضایتی به معنای اختلاف ادراک شده بین آرزو (وضع مطلوب مورد انتظار) و تحقق آرزو (وضع موجود) تعریف شده است (ازکمپ، ۱۳۷۰: ۲۵۷). احساس نارضایتی با سنجش میزان ناخشنودی شهروندان از وضع موجود کشور، عملکرد و کارآمدی مسئولان و دستگاه‌های دولتی و نیز دستاوردهای زندگی شخصی در مقایسه با وضع مطلوب مورد انتظار، با مقیاسی ۵ گویه‌ای سنجیده شده است.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

قابلیت اعتبار ابزار سنجش با استفاده از روش اعتبار صوری و مراجعه به استادان راهنما و مشاور و سایر محققان و صاحب‌نظران تأمین شده است. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه، پیش‌آزمون انجام شد و با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی ۱۲ مقیاس پژوهش بین ۰/۸۶-۰/۶۱ برآورد شد.

۸. یافته‌ها

بافت نمونه

از نظر جنسیت، ۵۷/۲ درصد نمونه تحقیق مرد، و ۴۲/۸ درصد زن بوده‌اند. همچنین، ۴۲/۲ درصد در گروه جوان، ۵۴/۵ درصد در گروه میانسال و ۳/۳ درصد در گروه سالمندان ۶۱ سال به بالا قرار داشته‌اند و میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۵ سال بوده است. از نظر تحصیلات، ۱۰/۸ درصد پاسخ‌گویان زیر دیپلم بودند، ۴۹/۹ درصد دیپلم و فوق‌دیپلم و ۳۹/۳ درصد تحصیلات عالی کارشناسی و بالاتر داشته‌اند. میانگین تحصیلی پاسخ‌گویان فوق‌دیپلم بوده است.

توصیف متغیر وابسته

یافته‌های توصیفی درمورد بحران اخلاقی (که از میانگین مجموع نمرات شش مقیاس بی‌هنجاری، تعارض هنجاری، ضعف هنجاری، ضعف اخلاقی مردم، ضعف اخلاقی مسئولان و ضعف اخلاقی پاسخ‌گویان تشکیل شده) نشان داد که ۹۳/۷ درصد پاسخ‌گویان، بحران اخلاقی در جامعه را به میزان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. میانگین نمره بحران اخلاقی براساس این یافته‌ها ۴/۱ و انحراف معیار آن ۰/۵۱ است.

توصیف متغیرهای مستقل

یافته‌ها حاکی از آن است که ۹۳ درصد پاسخ‌گویان فردگرایی خودخواهانه، ۸۸/۴ درصد احساس نابرابری، ۵۰/۸ درصد ضعف گرایش‌های دینی، ۸۲/۴ درصد ضعف کنترل‌های اجتماعی، ۸۷/۸ درصد احساس نارضایتی و ۵۹/۳ درصد کاهش مشارکت اجتماعی را در جامعه، به میزان زیاد ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۱. نتایج نگرش پاسخ‌گویان درمورد عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران اخلاق (%)

انحراف معیار	میانگین (دامنه ۵-۱)	کم	متوسط	زیاد	متغیر
۰/۵۵	۴/۲	۰	۷	۹۳	فردگرایی
۰/۶۳	۴/۲	۰/۳	۱۱/۳	۸۸/۴	احساس نابرابری
۰/۷۸	۳/۶	۶/۲	۴۳	۵۰/۸	ضعف دین‌داری
۰/۷۷	۴/۲	۲/۱	۱۵/۵	۸۲/۴	ضعف کنترل‌های اجتماعی
۰/۶۸	۴/۳	۰/۵	۱۱/۷	۸۷/۸	احساس نارضایتی
۰/۸۸	۳/۷	۸/۳	۳۲/۵	۵۹/۳	کاهش مشارکت اجتماعی

ارزیابی از بحران اخلاقی در جامعه

اول. ارزیابی ذهنی از بحران اخلاقی: بحران اخلاقی، به‌عنوان متغیر وابسته نهایی، با دو شاخص ذهنی و عینی بررسی شده است. شاخص ذهنی مبتنی بر ارزیابی پاسخ‌گویان از وضعیت اخلاقی جامعه شامل مردم، مسئولان و خود پاسخ‌گویان است. یافته‌های توصیفی حاکی از وضعیت بحرانی اخلاق در جامعه از دیدگاه شهروندان بود. اکنون باید مشخص کرد آیا آزمون آماری این نتیجه را تأیید می‌کند. برای این کار از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج آزمون نشان داد میانگین ارزیابی پاسخ‌گویان از بحران اخلاقی در جامعه تفاوت معنی‌داری با میانگین مورد انتظار براساس دامنه تغییرات نمرات مقیاس بحران اخلاقی دارد ($p < .000$, $df = 393$, $t = 63/845$). میانگین ارزیابی پاسخ‌گویان از بحران اخلاقی ۴/۱ به

بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی)

دست‌آمده است که به‌طور معنی‌داری بیشتر از میانگین مورد انتظار مقیاس بحران اخلاقی در جامعه (۲/۵) است. آزمون t برای هر یک از سه شاخص سازنده بحران اخلاقی نیز به عمل آمده که از میانگین مورد انتظار بسیار بیشتر بوده و تأیید فرضیه اول پژوهش و بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه از دیدگاه شهروندان را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آزمون T تک‌نمونه‌ای بحران اخلاقی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	T/۵ = مقدار مورد انتظار آزمون					
				T مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین گروه‌ها	تفاوت فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
۳۹۴	۴/۱۴۴۷	۰/۵۱۱۳۳	۰/۰۲۵۷۶	۶۳/۸۴۵	۳۹۳	۱/۰۰۰	۱/۶۴۴۶۷	۱/۵۹۴۰	۱/۶۹۵۳

دوم. ارزیابی عینی از بحران اخلاقی: علاوه بر داوری‌ها و ارزیابی‌های ذهنی، واقعیات عینی و ساختاری و شواهد آماری نیز از وضعیت بحرانی اخلاق حکایت دارد. تعداد دعاوی و پرونده‌های قضایی در کشور از ۵/۵ میلیون پرونده در سال ۸۰، به ۱۱ میلیون پرونده در سال ۹۰ و بیش از ۱۵ میلیون پرونده در سال ۹۵ رسیده است (سالنامه آماری ایران، ۱۳۹۴؛ رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، ۱۳۹۴؛ گزارش رئیس قوه قضائیه، ۱۳۹۴؛ وزیر دادگستری، ۱۳۹۵). طی همین مدت، تعداد پرونده‌ها به ازای هر هزار نفر، از ۸۴ پرونده به ۱۸۹ پرونده رسیده است که با توجه به وجود دو طرف در هر پرونده و بعد خانوار در کشور نشان می‌دهد همه خانوارها به‌نوعی درگیر یک پرونده در محاکم دادگستری بوده و در مظان اتهام تخطی از قواعد و هنجارهای اخلاقی و قانونی قرار دارند.

جدول ۳. تعداد پرونده‌های دعاوی قضایی ۱۳۸۰-۱۳۹۴

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	شاخص
تعداد دعاوی و پرونده‌ها (هزار پرونده)	۵۴۶۳	۱۰۱۵۷	۱۱۰۲۷	۱۱۶۲۷	۱۱۸۷۹	۱۱۵۰۰	۱۴۴۷۸	۱۵۱۴۸	
جمعیت کشور (میلیون نفر)	۶۵/۲	۷۰/۵	۷۵/۱	۷۶	۷۷	۷۷/۸	۷۸/۹	۷۹/۹	
تعداد پرونده به ازای هر هزار نفر	۸۴	۱۴۴	۱۴۷	۱۵۳	۱۵۴	۱۴۸	۱۸۳	۱۸۹	

این آمارها همچنین نشان می‌دهد سالانه حدود ۶۰۰ هزار نفر به زندان می‌روند (رحمانی‌فضلی، ۱۳۹۵) و در سال ۹۴ نرخ زندانی در کشور ۲۹۰ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است (مرکز مطالعات بین‌المللی زندان‌های جهان، ۲۰۱۴).

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۱

جدول ۴. وضعیت زندانیان در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۴

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
تعداد زندانیان (به هزار نفر)	۱۴۷	۱۵۸	۱۶۵	۱۷۳	۲۰۰	۲۳۰	۲۵۰	۲۱۷	۲۱۰	۲۲۸
نرخ زندانی (به ازای هر صد هزار نفر)	۲۱۴	۲۲۲	۲۳۰	۲۴۳	۲۷۰	۳۰۶	۳۲۳	۲۷۸	۲۷۰	۲۹۰

از دیدگاه دورکیم، افزایش خودکشی شاخص وضعیت آنومیک و بحرانی جامعه است. براساس آمارهای رسمی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴، نرخ خودکشی از ۸ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر در سال ۸۰، به ۱۰ نفر در سال ۹۴ افزایش یافته است (سالنامه آماری ایران، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴).

جدول ۵. وضعیت خودکشی در ایران طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۴

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
تعداد خودکشی	۵۲۶۰	۵۹۴۹	۵۷۷۷	۵۹۴۵	۶۱۳۰	۶۵۳۵	۷۹۵۴
نرخ خودکشی (به ازای ۱۰۰ هزار نفر)	۸	۸/۴	۷/۷	۷/۸	۸	۸/۴	۱۰/۱

آمار سرقت به‌عنوان مهم‌ترین جرم علیه اموال و مالکیت می‌تواند نشان‌دهنده نقض قواعد اجتماعی انتظام‌بخش در حوزه اقتصادی-اجتماعی باشد. بنابر آمار رسمی نیروی انتظامی، نرخ سرقت در سال ۸۰ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۲۴۹ فقره بوده که در سال ۹۴ به حدود هزار فقره (۹۸۱) رسیده است (سالنامه آماری ایران، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴).

جدول ۶. وضعیت سرقت در ایران طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۴

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
تعداد سرقت (هزار پرونده)	۱۶۲/۷۵۹	۱۸۹/۹۶۶	۴۵۰/۱۶۲	۴۳۱/۱۶۲	۶۴۵/۷۴۲	۶۷۳/۸۶۷	۸۰۰/۴۶۹	۷۶۵/۳۱۶
نرخ سرقت (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر)	۲۴۹/۲۴	۲۷۱/۳۸	۶۰۸/۸۷	۵۷۴/۸۸	۸۴۹/۶۶	۸۷۶/۲۸	۱/۰۲۷	۹۸۱/۱۷

بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی)

آمار طلاق و ازهم‌گسیختگی خانواده نیز در کشور رو به افزایش است. نسبت ازدواج به طلاق از ۱۰/۴ در سال ۸۳ به ۷/۱ در سال ۸۸ و ۴/۲ در سال ۹۴ رسیده است، به طوری که از هر ۴/۲ ازدواج یکی به طلاق منتهی شده است. در همین سال، این شاخص در تهران یک طلاق به ازای هر ۲/۵ ازدواج بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۳؛ مجموعه آمارهای جمعیتی ثبت احوال کشور، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵).

جدول ۷. وضعیت طلاق در ایران طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۴

سال شاخص	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
ازدواج (هزار پرونده)	۷۲۴	۷۸۷	۷۷۸	۸۴۱	۸۸۱	۸۹۰	۸۹۱	۸۷۴	۸۲۹	۷۷۴	۷۲۴	۶۸۵	
طلاق (هزار پرونده)	۷۴	۸۴	۹۴	۹۹	۱۱۰	۱۲۵	۱۳۷	۱۴۲	۱۵۰	۱۵۵	۱۶۳	۱۶۴	
نسبت ازدواج به طلاق	۹/۸	۹/۴	۸/۳	۸/۴	۸	۷/۱	۶/۵	۶/۱	۵/۵	۵	۴/۴	۴/۲	

همچنین، براساس شاخص بین‌المللی ادراک فساد^۱ (که عددی بین ۰ تا ۱۰ است، کشوری با کمترین نمره، دارای بالاترین درجه فساد و برعکس) رتبه فساد در ایران بین ۱۶۷ کشور جهان ۱۳۰ است (سازمان شفافیت بین‌المللی،^۲ ۲۰۱۵) و فساد گسترده و نقض مکرر قواعد و ارزش‌های اخلاقی در سطوح کلان نهادی و ضعف و ناکارآمدی ساختار سیاسی، اقتصادی و حقوقی را نشان می‌دهد.

جدول ۸. وضعیت ایران از نظر شاخص ادراک فساد طی دوره ۱۳۸۲ - ۱۳۹۴

سال شاخص	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
ادراک فساد	۳	۲/۹	۲/۹	۲/۷	۲/۵	۲/۳	۲/۸	۲/۲	۲/۷	۲/۸	۲/۵	۲/۷	۲/۷
رتبه ایران	۷۸	۸۸	۹۳	۱۰۵	۱۳۱	۱۴۱	۱۶۸	۱۴۶	۱۲۰	۱۳۳	۱۴۴	۱۳۶	۱۳۰
تعداد کشورها	۱۳۳	۱۴۶	۱۵۹	۱۶۳	۱۷۹	۱۸۰	۱۸۰	۱۷۸	۱۷۶	۱۷۶	۱۷۶	۱۷۵	۱۶۷

از نظر وجدان کاری نیز با وجود قانون ۴۴ ساعت کار در هفته، میزان ساعت کار مفید در ایران هفته‌ای ۱۱ ساعت است که روزانه کمتر از ۲ ساعت بوده و در کل سال به ۸۰۰ ساعت

1. Corruptions Perception Index (CPI)
2. Transparency International

می‌رسد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱). در مجموع، ارزیابی‌ها و داوری‌های ذهنی شهروندان از وضعیت اخلاقی جامعه، در کنار شواهد و مصادیق عینی و ساختاری، از تأیید فرضیه اول پژوهش و ارزیابی بحرانی شهروندان از وضعیت اخلاقی در قلمروهای اساسی زندگی اجتماعی (خانواده، کار و جامعه) حکایت دارد.

آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و ارزیابی از بحران اخلاقی

بحرانی تلقی کردن وضعیت اخلاقی جامعه این سؤال را پیش می‌کشد که عوامل اجتماعی مؤثر بر این نوع طرز تلقی چیست؟ پاسخ به چنین سؤالی موضوع فرضیات دوم تا هفتم است:

فردگرایی و بحران اخلاقی: ضریب همبستگی بین دو متغیر فردگرایی با تلقی از بحران اخلاقی ۰/۴۸ در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. جهت این رابطه مثبت و حاکی از هم‌تغییری بین دو متغیر است. به این ترتیب، به میزانی که افراد به خودخواهی و نفع‌طلبی روی بیاورند، بحرانی تلقی کردن وضعیت اخلاقی در جامعه افزایش پیدا می‌کند و این نوع تلقی می‌تواند به خودخواهی و فردگرایی دامن بزند.

احساس نابرابری و بحران اخلاقی: همبستگی بین دو متغیر به میزان ۰/۶۷ در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. جهت این رابطه مثبت و نشان‌دهنده هم‌تغییری بین دو متغیر است. به همین دلیل، هرچه احساس نابرابری افزایش یابد، بحرانی تلقی کردن وضعیت اخلاقی در جامعه نیز افزایش خواهد یافت. بحرانی ارزیابی کردن وضعیت اخلاقی جامعه نیز به نوبه خود می‌تواند به تشدید احساس نابرابری بینجامد.

مشارکت اجتماعی و بحران اخلاقی: کاهش مشارکت اجتماعی با بحرانی تلقی کردن وضعیت اخلاقی به میزان ۰/۲۷ رابطه دارد و این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. جهت این رابطه معکوس بوده و مؤید هم‌تغییری بین دو متغیر است. بنابراین هرچه مشارکت اجتماعی افراد کاهش یابد، بحرانی تلقی کردن از وضعیت اخلاقی در جامعه افزایش خواهد یافت و افزایش این نوع تلقی از وضعیت اخلاقی جامعه می‌تواند کاهش تمایل به مشارکت اجتماعی آن‌ها را نیز به دنبال داشته باشد.

دین‌داری و بحران اخلاقی: ضعف گرایش‌های دینی با بحرانی تلقی کردن از وضعیت اخلاقی به میزان ۰/۲۳ رابطه دارد و این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. جهت این رابطه معکوس است و گویای هم‌تغییری بین دو متغیر است. در واقع، هرچه گرایش‌های دینی شهروندان ضعیف‌تر شود، تلقی آن‌ها از بحرانی بودن وضعیت اخلاقی در جامعه افزایش خواهد

یافت و افزایش ارزیابی بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه، به تضعیف گرایش‌ها و التزام‌های دینی شهروندان کمک می‌کند.

کنترل‌های اجتماعی و بحران اخلاقی: بین تلقی شهروندان از ضعف کنترل‌های اجتماعی با بحران اخلاقی به میزان ۰/۷۷ در سطح ۹۹ درصد رابطه معنی‌دار وجود دارد. جهت این رابطه مثبت و نشان‌دهنده هم‌تغییری بین دو متغیر است. بنابراین هرچه تلقی از ضعف کنترل‌های اجتماعی در جامعه افزایش یابد، تلقی از بحران اخلاقی نیز افزایش خواهد یافت. متقابلاً تلقی شهروندان از بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه، به این طرز تلقی که کنترل‌های اجتماعی ضعیف و ناکارآمد هستند دامن می‌زند.

احساس نارضایتی و بحران اخلاقی: بین دو متغیر احساس نارضایتی و تلقی از بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه به میزان ۰/۶۱ در سطح ۹۹ درصد رابطه معنی‌دار وجود دارد. جهت این رابطه مثبت و حاکی از هم‌تغییری بین دو متغیر است. به این ترتیب که هرچه احساس نارضایتی در جامعه افزایش یابد، تلقی از بحران اخلاقی نیز افزایش می‌یابد و ارزیابی بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه هم احساس نارضایتی را در بین شهروندان تشدید می‌کند.

پیش‌بین‌های ارزیابی از بحران اخلاقی

بنابر نتایج رگرسیون چندمتغیری، R یا ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با بحران اخلاقی ۰/۸۴، ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۷۱ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۰ است. به عبارت دیگر، مجموع متغیرهای مستقل و پیش‌بین توانسته‌اند ۷۰ درصد از واریانس تلقی شهروندان از بحران اخلاقی را توضیح دهند که حاکی از قدرت قابل توجه متغیرهای مستقل در توضیح تغییرات تلقی از بحران اخلاقی است.

جدول ۹. خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره متغیرهای مستقل با بحران اخلاقی

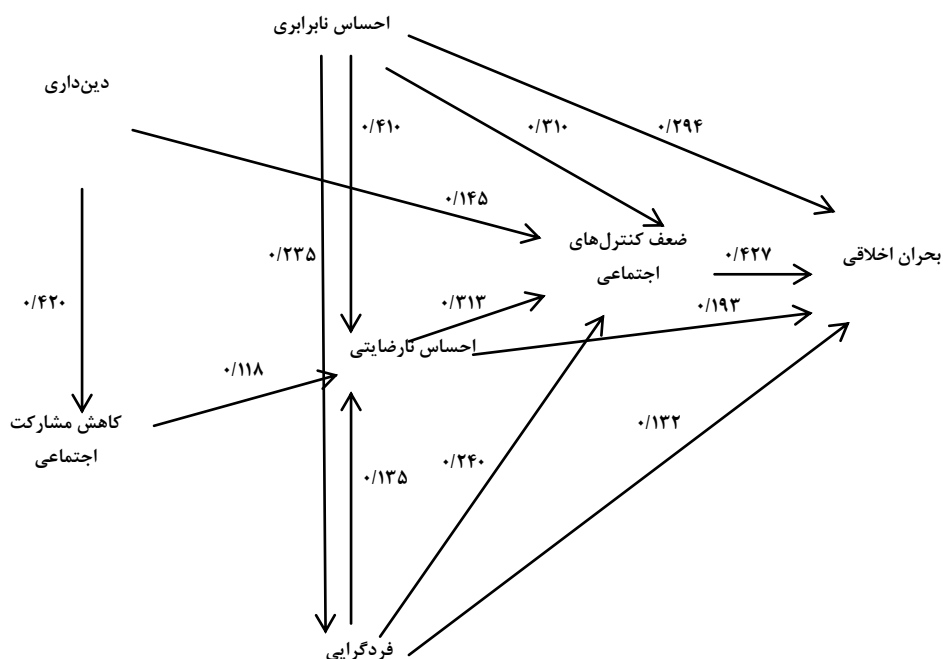
مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده ($R^2_{Adj.}$)	خطای معیار برآورد
۱	۰/۸۴۴	۰/۷۱۳	۰/۷۰۸	۰/۲۴۴۹۱

براساس نتایج معادله رگرسیون، دو متغیر دین‌داری و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌دار و مستقیمی با تلقی از بحران اخلاقی ندارند، اما این به معنی عدم تأثیر آن‌ها نیست، چراکه این دو متغیر از طریق تحت‌تأثیر قراردادادن متغیرهایی همچون کنترل‌های اجتماعی و احساس نارضایتی به‌طور غیرمستقیم بر تلقی از بحران اخلاقی اثر می‌گذارند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

جدول ۱۰. نتایج رگرسیون چندمتغیری متغیرهای مستقل با بحران اخلاقی

سطح معنی‌داری	T مقدار	ضریب استاندارد	ضرایب غیرمتمرکز		متغیرها
		Beta	خطای معیار بر آورد	B	
/۰۰۰	۷/۵۷۴		/۱۱۵	/۸۷۴	عرض از مبدأ
/۰۰۰	۵/۶۶۶	/۱۹۳	/۰۲۳	/۱۳۳	احساس نارضایتی
/۰۰۰	۸/۵۹۱	/۲۹۴	/۰۲۶	/۲۲۴	احساس نابرابری
/۰۰۰	۴/۳۰۸	/۱۳۲	/۰۲۷	/۱۱۷	فردگرایی خودخواهانه
/۰۰۰	۱۰/۸۰۱	/۰۰۱	/۰۲۴	/۲۶۰	ضعف کنترل‌های اجتماعی
/۹۷۷	/۰۲۹	/۰۰۴	/۰۱۹	/۰۰۱	ضعف گرایش‌های دینی
/۸۹۷	/۱۳۰		/۰۱۷	/۰۰۲	کاهش مشارکت اجتماعی

نتایج تحلیل مسیر و آزمون مدل نظری پژوهش نشان داد در مسیر اثرگذاری متغیرهای مستقل بر تلقی از بحران اخلاقی، علاوه بر متغیر کنترل‌های اجتماعی، متغیر احساس نارضایتی نیز نقش واسط و میانجی دارد. این نتایج همچنین حاکی است متغیر احساس نابرابری بیشترین مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم را بر تلقی شهروندان از بحران اخلاقی دارد. این مسئله از شدت احساس نابرابری در جامعه و پیامدهای مخرب اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی چنین احساسی حکایت دارد. متغیرهای احساس ضعف کنترل اجتماعی، نارضایتی و فردگرایی خودخواهانه از نظر شدت مجموع تأثیرات بر تلقی از بحران اخلاقی، به ترتیب در مراتب بعد قرار می‌گیرند. نتایج تحلیل مسیر همچنین نشان داد دو متغیر گرایش‌های دینی و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی با بحران اخلاقی ندارند، اما این به معنای بی‌تأثیر بودن آن‌ها نیست، چراکه این دو متغیر به‌طور غیرمستقیم بر بحران اخلاقی اثر می‌گذارند.



شکل ۲. نمودار مسیر بحران اخلاقی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مسئله اصلی این پژوهش است. نتایج ارزیابی‌های ذهنی شهروندان در کنار شواهد عینی از نقض مکرر قواعد اخلاقی و قانونی، مؤید بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه از دیدگاه شهروندان است. دورکیم از چنین وضعیتی به‌عنوان ضعف هنجاری، فساد اخلاقی و حالت بیمارگونه‌ای یاد می‌کند که سلامت اخلاقی جامعه را به خطر می‌اندازد. پارسونز از آن به‌عنوان اختلال کامل نظم هنجاری نام می‌برد و مرتن این بحران را با عنوان تعارض بین اهداف فرهنگی با ابزارهای نهادی شناسایی می‌کند. یافته‌های این پژوهش درمورد بحران اخلاقی با یافته‌های پژوهش رفیع‌پور (۱۳۸۷)، پیران (۱۳۸۴)، کوثری (۱۳۸۲)، نجاتی حسینی و کوثری (۱۳۸۸)، شبانی و محمدی (۱۳۸۸) نادری (۱۳۹۰)، رضایی، گودرزی و جوادی یگانه (۱۳۸۰، ۱۳۸۲، ۱۳۹۵)، غفاری و جوادی یگانه (۱۳۹۴) و جوادی و همکاران (۱۳۹۱) حمایت می‌شود.

هدف دوم پژوهش پاسخ به این سؤال بود که عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران اخلاقی چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان داد مجموع متغیرها ۷۰ درصد تغییرات تلقی شهروندان از بحران اخلاقی را توضیح می‌دهند. از بین شش متغیر پیش‌بین، چهار متغیر کنترل‌های اجتماعی، احساس نابرابری، احساس نارضایتی و فردگرایی خودخواهانه بیشترین تأثیر را بر تلقی از بحران اخلاقی در جامعه داشته‌اند. در این میان، متغیر احساس ضعف کنترل‌های اجتماعی یکی از عوامل مهم مؤثر بر تلقی از بحران اخلاقی است. دورکیم دو مکانیزم «انسجام و یگانگی» به‌عنوان مکانیزم کنترل درونی و «انتظام و سامان‌دهی» به‌عنوان مکانیزم کنترل بیرونی را مطرح می‌کند (دورکیم، ۱۳۷۸: ۴۱۱؛ مزورویچ، ۱۹۸۹: ۱۶).

یافته‌های این پژوهش تأکید دارد احساس افراد مبنی بر اینکه این مکانیزم‌های کنترلی ضعیف شده‌اند، موجبات تردید به قواعد نظارتی، امکان تخطی و نقض آن‌ها و تلقی از بحران اخلاقی را فراهم کرده است. این نتیجه مؤید دیدگاه دورکیم، مرتن و پارسونز است و از سوی دیگر با یافته‌های چاملین و کوچران (۱۹۹۵) و پرگارد و کوچران (۲۰۰۸) درمورد ضعیف‌شدن قدرت نظارتی و کنترلی نهادهای فرهنگی-اجتماعی در وضعیت عدم تعادل نهادی و نیز یافته‌های جواد و همکاران (۱۳۹۱) درمورد همبستگی معکوس نظارت اجتماعی با آنومی و بی‌هنجاری، پشتیبانی می‌شود.

احساس نابرابری براساس یافته‌های تحقیق، دومین متغیر تأثیرگذار بر تلقی از بحران اخلاقی است. این نتیجه نشان می‌دهد هرچه احساس نابرابری افراد افزایش یابد، تلقی از بحرانی‌بودن وضعیت اخلاقی جامعه افزایش می‌یابد. به همین دلیل، مرتن تأکید می‌کند نظام فرصت‌های نابرابر در رسیدن به اهداف عامل آشفتگی اجتماعی است (کوزر، ۱۳۷۸: ۴۵۵). این نتیجه، علاوه بر همراهی با دیدگاه‌های مرتن، با یافته‌های آدننز (۲۰۰۷)، رفیع‌پور (۱۳۸۷)، پیران (۱۳۸۴)، کوثری (۱۳۸۲) و نادری (۱۳۹۰) تقویت می‌شود.

احساس نارضایتی از نظر شدت تأثیر بر تلقی از بحران اخلاقی در مرتبه سوم قرار دارد. دورکیم ریشه احساس نارضایتی را در تحولات پرشتاب و بحران‌های اقتصادی می‌داند که موجب تزلزل و بی‌اعتباری معیارهای اخلاقی و آنومی می‌شود (دورکیم، ۱۹۵۱: ۲۵۰-۲۵۱). مرتن نیز احساس نارضایتی را نتیجه فشار ساختاری و ازهم‌گسیختگی بین اهداف فرهنگی و شیوه‌های نهادی دستیابی به آن‌ها می‌داند. تأثیر مثبت و قوی احساس نارضایتی بر تلقی از بحران اخلاقی به‌عنوان یکی از نتایج این پژوهش، با یافته‌های آدننز (۲۰۰۷)، کائو (۲۰۰۷)، رفیع‌پور (۱۳۸۷) و شیانی و محمدی (۱۳۸۸) حمایت می‌شود.

فردگرایی خودخواهانه چهارمین متغیر تأثیرگذار بر تلقی از بحران اخلاقی است. این نتیجه نشان می‌دهد هرچه افراد بیشتر خودخواهی و منفعت‌طلبی پیشه کنند، مشروعیت و مطلوبیت هنجارهای اخلاقی را بیشتر مورد تردید قرار می‌دهند. این یافته مؤید نظریه دورکیم است. او فردگرایی خودخواهانه را سرچشمه بحران اخلاقی می‌داند؛ زیرا معتقد است اخلاق از جایی شروع می‌شود که دگرخواهی آغاز می‌شود. علاوه بر دورکیم، مرتن نیز با نقد رؤیای آمریکایی موفقیت، فردگرایی منفعت‌محور را یکی از عوامل اصلی بحران اخلاقی در جامعه می‌داند. نتایج این پژوهش در مورد تأثیر فردگرایی بر تلقی از بحران اخلاقی همچنین با یافته پژوهش‌های چاملین و کوچران (۱۹۹۵)، پرگارد و کوچران (۲۰۰۸)، مسنر و روزنفلد (۱۹۹۷)، رفیع‌پور (۱۳۸۷)، کوثری (۱۳۸۲) و شیانی و محمدی (۱۳۸۸) پشتیبانی می‌شود.

در مجموع، یافته‌ها مؤید فرضیه اول پژوهش مبنی بر بحران اخلاقی در جامعه براساس داوری و ارزیابی ذهنی شهروندان و نیز شواهد عینی و ساختاری است. شش متغیر احساس نابرابری، ضعف کنترل‌های اجتماعی، احساس نارضایتی اجتماعی، فردگرایی خودخواهانه، ضعف دین‌داری و کاهش مشارکت اجتماعی که موضوع فرضیات دوم تا هفتم این پژوهش را تشکیل می‌دهند، عوامل بسیار مهمی هستند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر تلقی از وجود بحران اخلاقی در جامعه ایران تأثیر می‌گذارند. براساس نتایج تحلیل عاملی، این شش متغیر ذیل دو عامل بیگانگی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، بحران اخلاقی در جامعه ما بنابر یافته‌های این پژوهش به تشدید عوامل بیگانه‌ساز و تضعیف عوامل یگانه‌ساز اجتماعی برمی‌گردد. این موضوع مؤید مفاهیم مورد تأکید در نظریات دورکیم، پارسونز و مرتن، به‌عنوان نظریه‌های اصلی پشتیبان این پژوهش است. آن‌ها جامعه را کلیتی می‌دانند که حول مجموعه قواعد و ارزش‌های اخلاقی مشترک و نیز تعاملات و پیوندهای اجتماعی و انجمنی منسجم می‌شود. از چنین منظری، احساس نابرابری، احساس نارضایتی و فردگرایی خودخواهانه، به‌مثابه عوامل بیگانه‌ساز و نیروهای گریز از مرکزی عمل می‌کنند که رابطه کنشگران را با جامعه مختل و موجبات بیگانگی آن‌ها را با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی فراهم کرده است. از سوی دیگر، تنزل گرایش‌های دینی، ضعف کنترل‌های اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی نیز به‌عنوان عوامل یگانه‌ساز اجتماعی، موجب قطع پیوندها و تعهدات متقابل، محدودیت شبکه‌های روابط اجتماعی و کاهش پایبندی به اهرم‌های درونی (اخلاق) و بیرونی (قانون) کنترل اجتماعی و درنهایت عدم انسجام اجتماعی شده‌اند. چنین وضعیتی با ایجاد تردید و تزلزل درباره مطلوبیت، مشروعیت و کارآمدی قواعد و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی و نیز نقض و تخطی مکرر از آن‌ها، به بی‌هنجاری، تعارض هنجاری، ضعف هنجاری و

نهایتاً بحران اخلاقی منجر شده است. اما، به‌زعم این پژوهش، این وضعیت بحرانی غیرقابل حل و تعدیل نیست. با تلاش در جهت بازاندیشی ارزش‌ها و سنن فرهنگی و اخلاقی، تقویت عوامل یگانه‌ساز و تضعیف و تخفیف نیروهای بیگانه‌ساز، نظم و انسجام اخلاقی و اجتماعی بر جامعه حکم‌فرما خواهد شد. بدون چنین تلاش‌ها و تغییراتی، جامعه به‌ناگزیر دورانی از آشفتگی اخلاقی را تجربه خواهد کرد. هرچه موانع و مشکلات عینی و ذهنی در جهت انجام چنین تغییر و تحولاتی بیشتر و مقاوم‌تر باشد، لاجرم نابسامانی و بحران اخلاقی نیز دیرپاتر خواهد بود.

منابع

آبرکرامی، نیکلاس و همکاران (۱۳۶۷) *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.

احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.

آملی لاریجانی، صادق (۱۳۹۴) «۱۵ میلیون پرونده در دستگاه قضایی داریم»، ایسنا، دسترسی در <http://www.isna.ir/news/94110804874>

ازکمپ، استوارت (۱۳۷۰) *روان‌شناسی اجتماعی کاربردی*، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.

بیرو، آلن (۱۳۷۰) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

پورمحمدی، مصطفی (۱۳۹۵) «ورود بیش از ۱۴ میلیون پرونده به قوه قضائیه»، سایت تابناک، دسترسی در <http://www.tabnak.ir/fa/news/601380>

پیران، پرویز (۱۳۸۴) «آنومی در تهران»، سخنرانی در خانه هنرمندان ایران، سایت آفتاب آنلاین، دسترسی

http://www.aftabir.com/articles/view/art_culture/art/c5_c1143803482_art_p1.php

پیوزی، مایکل (۱۳۸۴) *یورگن هابرماس*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.

ترنر، جاناتان. اج. ال (۱۳۷۰) *پیدایش نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالعلی لهستانی زاده، ج ۲، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.

جوادی، حسن و همکاران (۱۳۹۱) «بررسی عوامل مؤثر اجتماعی در احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، سال چهارم، شماره ۱۰: ۲۹-۴۵.

جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۹۵) *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج سوم، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم، تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.

دورکیم، امیل (۱۳۶۰) *فلسفه و جامعه‌شناسی*، ترجمه فرحناز خمسه‌ای، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.

دورکیم، امیل (۱۳۶۹) *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، بابل: انتشارات کتابسرای بابل.
دورکیم، امیل (۱۳۷۸) *خودکشی*، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

دورکیم، امیل (۱۳۹۴) *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
دورکیم، امیل (۱۳۸۳) *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
رابینگتن، ارل و مارتین وایتنبرگ (۱۳۹۰) *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.

رجب‌زاده، احمد و مسعود کوثری (۱۳۸۲) «آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر شهروندان تهرانی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره یکم، شماره ۲۱، شماره پیاپی ۴۴۴: ۳۱۹-۳۴۸.
رحمانی فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۵) «گزارش وزیر کشور از آسیب‌های اجتماعی»، مجلس شورای اسلامی، خبرگزاری خانه ملت، دسترسی در

<http://www.icana.ir/fulnews/300413>

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸) *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران: انتشارات سروش.

رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۰) *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج اول، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۵) *توسعه و نابرابری*، تهران: انتشارات مازیار.
سازمان شفافیت بین‌المللی (۲۰۱۵) «گزارش ۱۳ سال گذشته رده‌بندی کشورهای جهان براساس شاخص ادراک فساد»، دسترسی در

<http://www.transparency.org/cpi2015#results-table>

سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۳۸۹) «مجموعه آمارهای جمعیتی کشور»، سازمان ثبت‌احوال کشور معاونت آمار و انفورماتیک، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی.

سازمان ثبت و احوال کشور (۱۳۹۵) پایگاه خبری مهرخانه، دسترسی در
<http://www.mehrkhane.com/fo/news/25310>

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۲) *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.

- سریرافراز، محمد، نازی محمدزاده اصل و قدرت‌الله امام‌وردی (۱۳۸۹) «رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه شهری مناطق مختلف شهر تهران»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال اول، شماره ۱: ۸۵-۱۰۶.
- شهریاری، حمید (۱۳۹۴) «تشکیل بیش از ۱۱ میلیون پرونده قضایی در سال ۹۳»، *شفا آنلاین*، دسترسی در <http://www.shafaonline.ir/fa/news/65887>.
- شیانی، ملیحه و محمدعلی محمدی (۱۳۸۶) «تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت»، *فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، شماره ۳: ۲۱-۳۶.
- غفاری، غلامرضا، محمدرضا جوادی‌یگانه (۱۳۹۶) *وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کوثری، مسعود و سیدمحمود نجاتی‌حسینی (۱۳۸۸) *پتانسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای شهر تهران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸) *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۵) *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۶) *اندیشه‌های بنیادین در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبور، تهران: نشر نی.
- گرب ج، ادوارد (۱۳۸۱) *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر*، ترجمه محمد سیاهپوش و احمد غروی‌نژاد، تهران: نشر معاصر.
- گودرزی، محسن (۱۳۸۲) *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج دوم، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گولدنر، آلون (۱۳۸۳) *بحران در جامعه‌شناسی غرب*، ترجمه فریده ممتاز، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹) «بررسی عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دوم، شماره ۶: ۸۷-۱۰۶.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۳) سالنامه آماری کشور ۱۳۹۳، ریاست جمهوری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴) سالنامه آماری کشور ۱۳۹۴، ریاست جمهوری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱) «گزارش ساعت کار مؤثر سالیانه در ۱۱ کشور»، خبرگزاری مهر، دسترسی در <http://www.mehrnews.com/news/1604-196>
- مرکز مطالعات بین‌المللی زندان‌های جهان (۲۰۱۴) «گزارش چکیده وضعیت زندانیان در جهان»، دسترسی در <http://www.prisonstudies.org/country/iran>.
- مسنر، استیون اف و ریچارد روزنفلد (۱۳۹۲) «مزایا و معایب رؤیای آمریکایی»، ترجمه علی موسی‌نژاد، نشریه فرهنگ ایلام، دوره چهاردهم، شماره ۳۸ و ۳۹: ۲۰۱-۲۱۲.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: نشر علم.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰) *راهنمای سنجش تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- نادری، حمدالله و همکاران (۱۳۹۰) «سنجش چندبعدی آنومی در بین جوانان»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی*، دوره جدید، شماره ۲۵: ۱۷۹-۲۱۰.
- ورسلی، پیتر (۱۳۸۸) *نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- Adnanes, Martin (2007) "Social Transitions and Anomie among Post-Communist Bulgarian Youth", *Young, Nordic Journal of Youth Research*, Vol. 15, No. 1: 46-69.
- Allen, Michael (2009) *The Civil Sphere* by Jeffrey C. Alexander, (review), *Social Forces*, Vol. 88, No. 2 :984-985.
- Bellah, Robert N. [et. Al.] (1985) *Habits of the Heart: Individualism and Commitment in American Life*, Berkeley University of California Press.
- Bjerregaard, Beth, Cochran, JK (2008) "A Cross-National Test of Institutional Anomie Theory: Do The Strength of other Social Institutions Mediate or Moderate the Effects of the Economy on the Rate of Crime?" *western Criminology Review* 9(1): 31-48.
- Cao, Liqun (2007) "Returning to Normality: Anomie and Crime in China", *International Journal of Offender Therapy and Comparative criminology* vol. 51. No. 1: 40-51.
- Chamlin Mitchell B and John k, Cochran (1995) "Assessing Messner and Rosenfelds, Institutional Anomie Theory: A Partial Test", *Criminology* 33:411-429.
- Durkheim, Emile ([1893]1994) *Division of Labour in Social*, Paris: PUF.

- Durkeim, Emile (1951) "Suicide: A Study in Sociology", Translated by G, Simpson, the Free Press: 245-257.
- Durkheim, Emile ([1897]1999) *Leducation Morale*, Paris: PUF.
- Lee, Gary R. , Robert W. Clyde (1974) "Religion, Socioeconomic Status, and Anomie", *Journal of the Scientific study of Religion*, Vol. 13, No. 1: 35-47.
- Legge, Sandra (2008), *Social Structural Effects on the Level and Development of The individual Experience of Anomie in the German Population*", *International Journal of Conflict and Violence* Vol. 2, No. 2: 248- 267.
- Merton, Robert K. (1949) *Social Theory and Social structure*, New york: Free Press.
- Merton, Robert K. (1938) "Social Structure and Anomie", *American Sociological Review*, Vol. 3, No. 5: 672-682.
- Mestrovic, Stjepan G. (1989) "Durkheim's Conceptualization of Political Amonie", *Research in Political Sociology*, Vol. 4: 1-26.
- Messner, Steven F and Richard Rosenfeld. (1997) "Political Restraint of the Market and Levels of Criminal Homicide: A Cross Nationl Application of Institutional Anomie Theory", *Social Forces* 75:1395 – 1416.
- Parsons, Talcot, Shills, Edward (1951) *Toward A General Theory of Action*, New York, Horper and Row.